



جشن شاهنشاهی ایران

این روزنامه یکبار در تاریخ ملی ۱۰۰ شماره و در تیر ماه برای تیرماه جاری در شماره ۱۰۰۰ همراه با آئینها منتشر می‌گردد

شماره یازدهم - پنجشنبه چهاردهم مردادماه ۱۳۰۰

چهره سازنده جشنها

* تأثیر شگفت‌انگیز فرهنگ

و تمدن ایران بر جهان

به قلم کلوداماس - مجله روژنرال - بروکسل

* ایران بسوی آینده روشن

اکسپرس - چاپ آنکارا

* تجلیل از پایه گذار

حقوق بشر روزنامه الشعب : چاپ ریاط

* ۴ اسکله و یک فرودگاه

برای استان ساحلی

* ۴۷ میلیون تومان برای

عمران و آبادی استان

ساحلی بمصرف میرسد

در صفحه ۸

مفهوم نو و تازه جشن مشروطه

اساس جشن انقلاب مشروطه ، مفهومی نو پیدا کرده است. این جشن با تدارک جشنهای پرشکوه بنیاد شاهنشاهی ایران همراه است و ملت ایران دوا بینه را از دوسو برآورد آفتاب گذاشته است.

درباره انقلاب مشروطه ، بسیار تحریفها شده است، اما این حقیقت ، در انقلاب مشروطه چون روز نمایان است که ملت ایران برخاست تا دویامه حاکمیت خویش را حفظ کند: آئین شاهنشاهی را و سلطه فرهنگ و تمدن ایرانی را... دودمانی که آرزمان نگاهبانی آئین شاهنشاهی ایران را بخود اختصاص داده بود، میخواست شایسته این نگاهبانی باشد ولی نمی‌توانست ، آن دودمان در پوشش و جبه روایت ایلی و فئودالی چنان فرو رفته بود که نه آئین شاهنشاهی را چنانکه باید درک میکرد ، و نه با روح زمان آشنائی داشت و ظواهر پرشکوه فرهنگ شاهنشاهی را ، سرپوشی برای حفظ و رعایت سنت‌های ابتدائی ایلی و خانی قرار داده بود ، و در عصر دگرگونی تمدن، که دنیا ، میرفت ، ناشتاب ، پلنگ و آن سنت‌های شیرگرائی را که آئین شاهنشاهی ایران در عصر کوروش و داریوش بزرگ ، در اقتصاد و تمدن جهان رواج داد ، و سلطه و مهابته اقوام بدوی ، از نسج گرفتن و شکستن آن ، در انحصار بعد ، بیوسته جلوگیری کرده بود از تزلزل آنکه در سرزمینی که مهد این اندیشه و بنیادگذاری بود ، میکوشید ، جامعه را ، با روابط اقتصاد و تمدن ایلی و خانی رهبری کند.

ملت ایران ، شاد بود و خون میخورد که چگونه در دوران سلطه این دودمان هم آئین شاهنشاهی و هم تمدن و فرهنگ ایرانی ، مورد تجاوز قرار گرفته بود ، و براساس این تجاوز ، چنانکه قالب مجوفی را در فشار سنگ قرار دهند ، حاکمیت قدیم و قوم ایران را ، از هر سو ، قدرت‌های استعماری سیری‌ناپذیر تازه بعرضه رسیده ، در فشار سنگین بقیه در صفحه ۵

فرهنگ ، زیر بنای جامعه ایرانی

ارزش تعلیم و تربیت و شیوه‌های آن در ایران باستان و ایران کنونی

۶۹ روز تا آغاز جشن شاهنشاهی فاصله داریم

جشن شاهنشاهی ، جشن زندگی ۲۵۰۰ ساله است ایران است

فضیلت آدمی بر دیگر موجودات روزی زمین ، به داشتن نیرو و عامل اندیشه است ، اندیشه‌ای که نفعت زیستن را ، و اجتماعی زیستن را ، و نگاه شیوه‌های به‌زیستن را به‌جا آورده است و او را به پیرایه‌های دانش‌ها و آگاهی‌ها آراسته و با بداندیگری پیش برده که به شناخت روز جهان برآورد.

اندیشه‌ی آدمی ، جلوه‌ای از ذات آفرینش و پاره‌ای از وجود آفریننده است ، و آفریننده ، در کلام خود ، باها و بارها ، آدمی را به آموختن دانش و شناختن راه‌های طبیعت و بهره‌جویی از آن آگاهی‌ها بنا به منظور به‌زیستی برانگیخته و راه‌های رسیدن به‌اوج آرزوهای متعالی را برایش تصویر کرده است و آدمی ، از بدو آفرینش ، چون چشم بر جهان گشود ، در خود احساس هراس کرد. هراسی که از آشپوش عدم آگاهی میتوشید. پس آفریدگار او را برانگیخت تا بیکر از جامعه‌ی هراس ببردازد و عرفانی حقیقت‌دانان بپوشد ، و او چنین گرد ، و این‌بار چون به پیرامون خود نگریست ، غم‌خورد او را دریافت ، غم‌خوردی که زایل‌بندی دانش او بود ، و آدمی ، به پیرایه‌های امور آزما و ، و به پیروی از دانش بقیه در صفحه ۷

دنباله مقاله

لژیون

خدمتگزاران

بشر ، نمودیک

منش انسانی

دروغ سیمای دیگر مرگ است

داریوش‌شاه گوید :

این است آنچه بدست من در بابل کرده شد.

بقیه در صفحه ۷

روزشمار ۵۰ سال شاهنشاهی ایران

(۱۱)

اما او ، آگاه بود که شاهنشاهان پارس در برابر یورش نوبه ارمنستان از دری بیخبری و تقابل نبود ، بل بخاطر سرکوب و کفراندن شاهزادگان بود که بر خاندان خود شوریده بودند . او ، مدیانتست که رومیها باید هشیار میشدند . شاهنشاهی در ایران زمین برای آنان نادر دادند .

۶۰ شاه ، ارمنین ، با وسوسه های بلند و سیاه خود ، بر وجود انسان تازی می تند . او را در تارک بود این وسوسه های اهریمنی ، رومیها به دست یازیدن به گارهای اهریمنی ترغیب و وسوسه میکند . ارمنستان را ، و بر تو ایزدی را ، از وجود او مزایاید . روح او را به اندیشه گناه و باهی می آید ، و اینگونه است که انسان ، دست خود را از لودی پلیدی میسازد . وسوسه های اهریمن در وجود تو عنصر پلیدی موثر افتاد . تا ، با طرح توپخانه ای که از سرچشمه غفلت و نادانی ، آب میخورد ، شاه را مسوم گردند .

۶۰ - ۵۶

قبل از میلاد سپاهی ارست و به ارمنستان روانه شد تا «گردون» را بازبینی کرد . در نبردی که میان سپاهیان دلیر ایران زمین و سرکرمان ارمن درگرفت ، پیروزی نصیب ایرانیان شد . «گردون» پس گرفته شد . اما محانت ، سرانجام ، حاصل خود را نمود . **مهراد سوم** ، که در ارمن بود ، بوسه پیکان خود ، با خبر شد که «اردوان خود شاهنشاهی گناه و او را شتابان عزت ایران زمین شد . «ارد» چون از تابشست او ، آگاهی یافت ایرانیان را ترک کرد و برای مدتی ، بر تخت نشست . **شاهی دیگر** ، بر تخت پادشاهی و تکیه زد . شاهی دلیر و نازاک که نام خود را ، **مهراد با هالی دلیری** ، بر تاریخ ثبت کرد . **قبل از میلاد** «ارد» برادر **مهراد سوم** ، و پسر **مهراد سوم** ، که به «ارداول» نامیده شد ، پس از فراری نظم اولین

هدفی را که برآورد ، تسخیر ارمنستان بود . او سپاهی به آن سو گسیل داشت و آن منطقه را ، تسخیر کرد و سر به قطیان و گردنکشی گذاشته بود . تسخیر کرد و آن را ، ضمیمه قلمرو حکومت خود ساخت . و بدینگونه شورش و قطیان را سرکوب و آرامش و بدان سامان بازآورد

در این هنگام ، در پشت پرتگاههای شاهنشاهی ایران زمین ، خام اندیشان ، دل خود را به اندیشه خام گرم کرده بودند . آنان انگاشته بودند که زمان آن رسیده که دولت پارت را براندازند و ایران زمین را به تصرف درآورند . اما شکی ، بدست یکی از نام آوران و دراترین سرداران این سرزمین بود ، چنان درس شکفته به آنان داد که دیگر اندیشه خام به سر خود راه ندهاند . این خطر که اکنون در پشت پرز های ایران زمین ، کین گرفته بود ، چه بود ؟ و خامانی که اندیشه سودای باوه در سر میبردند ، چه گونه می اندیشیدند ؟

در این زمان ، در مردم که شوکت یافته بود ، سه تن از سرداران ، زمام امور را در دست داشتند . اینان یکی «پونیه» ، دیگری «زولوسوزار» و سومی «مارکوس گراسوس» بود . و آنکه ، در سرانندیهای خام میبخت و از سوی ستان روم ، به حکمرانی سوره و سرداری سپاهی که میبایست بدان مملکت روی آورد ، پیروز شده بود «گراسوس» قلع و خسیس بود .! گراسوس می انداشت که پیروزی را با بنام او نامنند ، و او نادانی بزرگ بود . چه در طول شصت سال ، از گلشت روزگاران بند ترفته بود . او نقشه های وسیعی داشت ، و با فتح ایران ، و با فتح و سرزمین های وسیع است ، و این پرتگاهها را از استخوار نادانی سرچشمه میگرفت . اما میرد با گذران گروهی سرباز ، در سپاههای این اولین ، سرنوشست آسیا را به بار گذر تفسیر خواهد داد . راه او مثل سرداران قلیلیب و ناهراج که اراده کنند ، باز است . و بهین انگیزه ، که در نوم روانه سوره شده بود ، و پیروزمندی کوچک ، که در بدو امر از فریب خود شده بود ، او را در میبوسون راهی که در اندیشه داشت ، مصمم کرده بود .

باید گفت که او در بدست آوردن این پیروزی های کوچک هم ، که در خارج از قلمرو شاهنشاهی بود ، لطفاً از قتل «ایرانی» و غارت روی نگرداند . و انسانها را ، مردمان شهرها را ، به برتری فروخت . و آنگاه ، به سربازان از زیر دست خود داد او را «امپراتور» نامند . او در نادر حمله ای علیه به ایران زمین بود و به آرایش و تجویزهای خود پرداخته بود . سپاهیان خود را از شتلاخها جمع میکرد که رسولان «ارد» رسیده و پیام گذاشته . پیام آنان بسیار گوناگ و بسیار صریح بود . آنان مأموریت داشتند ، ظلمت شاهنشاهی را در اچاز کلام خود تجسم بکشند . پیام آنان چنین بود :

«از این لشکر را ، رومیها فرستادند ، شاه بزرگ را آنان میبندد ، کسی به امان نخواهد بود . ولی ، اگر چنانچه شتیده ایم ، این جنگ مخالف اراده مردم است و نوبه انقضای منافع شخصی ، با اسلحه قدم به سرزمین های پارتی گذاشته ای . شهرهای شاه بزرگ را آسیب رسانده ای و به صرف درآورده ای . شاه بزرگ را خشم و جنگ را دوست نیدارد ، برای نشان دادن ملامت و اعتدال خود ، به بیبری رو رحمت آورده و اجازه میدهد رومیهای که در شهرهای او هستند ، بیرون روند ، چه شاه بزرگ ، رومیها را ، که در شهرهای او هستند ، زندانیان خود میداند . نه سالخوشان را ، اما سر داد سالخورده ، بجای آنکه شتیاران و بسجند ، و از روی شکر سخنی خود ببلد داد : «تو خود را ، در سلوک و به شفا نشان خواهی داد !» و «ویژگی» ، سرپرست فرماندهان شاه ، در حالی که گذشت خود را به سردار بی بی نامی نمود ، گفت : «ای گراسوس ، اگر از تک گدست من ، موئی خواهد رست ، تو نیز سلوکی را خواهی دید !» «گراسوس» گردید ، پس به بند هیچکوش فرار نمود . او درگشتت هم ، اندر گرفتار «ات» بود ، را برآوردنی سیرده بود .

او با «ویژگی» ، با هم به هیجان انگاشت و به پیسج سیاه ادامه داد . اما گوئی گراسوس را دست سرنوشست ، برای گوشمال تابید . بهاد او سو میبندیدند او ، باید آینه ای عبرت رومیها میشد . او ، که در نهر رسید ، و با احداث پلی ، از آنجا گذشت . در این حال اندیشه شاه پارت ، و خرده نمای و دلیری سردار دلاور ایران ، به چاره گیری برخاسته و دام را در شمشین خلیج واقع نادرک دیده . از سوئی «آرپانیس» را ، که از شکی برپ بود به جانب گراسوس گسیل داشته تا او را ، و سپاهیان را ، با جلگه بکشد و از گوشتهای و فرات دور سازد . و «سونا» ، سردار دلاور ، که از نجات ایران بود و قیلا «سلوکی» را گوشده و خود ، بدست خود باغیان مقام را از لایق و پادشاه بریزر افکنده بود ، رهبری سپاه ایران را بدست گرفت .

و سرانجام لفظه ای نبرد ، لفظه ای فضات تاریخ فراسید . و سپاه روم ، نناه خود را در برابر سپاهیان دلاور پارت ، سپاهیان ایران زمین بافتند و سوسونا ، که پیشانی نادرک حمله را دیده بود ، و همه وسائل و دست افزارها را به باری گرفته بود تا دشمن را مرعوب ، و نابود سازد ، و آنجا حمله برد و جایست سواران نادرک ایران زمین ، در حالیکه دشت از فریب آنان به لرزه درآمده بود ، کابوس مرگ را بر سپاه رومیها ، افکندند . و در این زمانان قوی دست و جایک و مهابرتی ، آنان را زیر بارانی از تیر گرفتند . سربازان ایرانی ، دلیری میا فریفتند ، آنان تنها پیروزی میبندیدند و بهین انگیزه ، از هر سو ، راه را در دشمن میگشند . موضع گیری آنها ، کین آنها ، و سرانجام میوش آنها ، غناشانی از ندری رهبر آنان بود .

در نتیجه نبرد ، آنان پس گراسوس را ، که فرماندهی و رهبری جناح سپاه سپاه را به عهده داشت ، از لشکر دور کردند و او از آنجا دور شدند . و سرانجام ، با تانکده های اتسار از رومی ، رشادت بیخبر دادند ، اما در برابر سپاه مردان دلاور ایران ، از پای درآوردند . این شکست فرین بود . پیروزی سپاه دهقان ایرانی سوزنا ، سردار نادر ایران ، بر یک سپاه چهل و ده هزار نفری مغرب ، که شکست از رومیان حمله های تاریخ جهان است . گراسوس ، سردار تاکم رومی ، پس از شکست ناخود امانانه ، سرداران و سربازان خود را ، تنها رها کرد و خود ، شبانه ، چون رویه گان ، فرار کرد .

او هرگز همان تعبیر که دستهای پیروزی فرین و اندیشه های روشن ایرانیان ، او در داد ، در این مکان ، به کام شکست و رسوائی اندازند . او فرود بومیه را داشت اما فافه واقعیتی بود ، با نخستین کامها که برداشت ، چنان کرد که اگر پیروزی میبافت ، در دست و پلیدی ، روی اسکندر جیستند را سفید میکرد . او «سلوکی» پناه برد ، و یا حیلها و نیرنگ ، از آنجا گرفتاری و در میان ، پیش از آنکه به نظر رسد ، باز بدام سردار نامی ایران افتاد . و در این مقام ، سپاهیان ایرانی ، که میباید در اندیشه و همت لیسان گواهی خود بودند پیروزی فریفتند . در «حیران» آخرین شکست بر سپاه روم وارد آمد . گراسوس ندرید گشته آمد . بدینگونه سوزنا ، سردار نادر ایران زمین ، که در اندیشه والای شاهنشاهی بزرگترین مغرب ، فتحنامه جاودان خود را نوشت . او این فتحنامه را نگاشت ، به مردمان آن سوی دریاها ، مردمان خارج از قلمرو شاهنشاهی و مردمان بیرون از دوازدهای آسیا بیابانزده شاهنشاهی ایران گشودند . بیاد باشند چه چه شیوه ای در پیش گرفتند . او به آنان آموخت که روزگاری که پس قلیب ، پس سر قلیب قلیب ، از دوازدهای و نواح آسیا شکست و سرزمینها را در خون و آتش کشید ، و گناه نفعند شد ، سوزن ، بیاد اراده شاهنشاهی بزرگ ، تسخیر نیروی سباز ایرانی بود ، از بدینگونه اتفاق میوش و غارت سرملعون قلیب را ، با زلفت و به تمام هنر ادب آموخت . نام



خصوصیت ملی در معماری هخامنشی

و شهر شاپور) و از سوی دیگر ، به آکباتان از راه لرستان ، و از طرف دیگر به پایل از راه دیلم وصل نمود . رویه توشه شویزی برپادشاهان شرقی آن کاخهای شاهنشاهی بنا کردند و در جنوب کاخها خود شهر آبادند . گرداگرد این مقسمت حصار کشیدند و مقابل آن خنجر کشیدند کباب و شاور و بریند و روجه خانه و شاور و او بهین دلیل از بشر خورند این خنجر هدایت کردند کاخهای هخامنشی مولا را که چهار قسمت بوده در اولی ، تالار پذیرایی ، تالار دایره و اطالی میسوزی ، درخوش قفس مادیقت زمین چهار قسمت و از طرف خنجر بیرون آوردیم یکی تالار دایره و دیگری اطالی میسوزی و هم بطریق ناقص از رخساک بیرون آمد است . بقیه ساختمانها در همان ایام قدیم بکلی زبرور شده و در ایام جدید بقدری خاکلاز و پویش گردانده که دیگر نمی توان راجع بوضع اول آن اظهار نظر دقیق کرد .

جاودانه حماسه های شاهنشاهی

سنگ نبشته داریوش بر سینه بیستون

- ۲ -

داریوش شاه گوید: پس از آنکه من گنومانی مغ را کشتی، آتروین نامی پسر اوبدم در خوزستان بر من یابی شد، و به مردم آن سوی جنگ: من پادشاه خوزستانم، و مردم خوزستان از من بر کشته به سوی آتروین رفتند و در خوزستان شاه شد، پس مردی از بابل، نئی تیسیر پسر آبی تیری در بابل بر من شوریید و گفت من نیوکلتر پسر نیولیدم، هم مردم بابل بسوی او رفتند و از من بازگشتند او شاه بابل را بدست آورد.

داریوش شاه گوید: پس از آن من بسوی بابل رفتم، به آهنگ نئی تیسیر که خود را نیوکلتر، می نامید، سپاه او در دجله بود، داشت من سپاه خود را دومیه کردم، نیمرای بر شتران و نیمرای بر اسبان سوار کردم. اهورامزدا مرا باری داد، به خواست اهورامزدا از دجله گشتم و بالشکر نئی تیسیر جنگ کرده آنرا شکست دادم، بیست و ششم آتریادی بود که این جنگ روی داد.

ستون دوم

داریوش شاه گوید: از آنجا نئی تیسیر بسا سواران اندک که به او وفادار مانده بودند به بابل درون شد، بر فرود دور بابل را گرفتیم و به خواست اهورامزدا آنرا گشودم و ایسن نئی تیسیر را گرفتیم، پس از آن او را در دیابل کشتیم.

داریوش شاه گوید: روزگاری که در بابل بودم، این شهرها از من بر گشت: پارس، خوزستان، مام، آسور، مصر، یارت، مرو، شاتگوش، سگانیه.

داریوش شاه گوید: در پارس مردی بود مرتبه نام پس چیرخی نامی که مردم جایی نام **گوگتاک**، این مرد بر من شوریید و به مردم خوزستان گفت من ارمائیس پادشاه خوزستانم. داریوش شاه گوید: من تا گریز شد بسوی خوزستان بروم، پس از آن مردم خوزستان از ترس من این مرتبه را که شاه آنها بود، گرفته خودشان گشتمند.

بهر فرمان من درآمد، ایست آنچه من در بخت کردم.

داریوش شاه گوید: مردی بود نامش وهی پرتاده از مردم جایی که نامش تاروا و در سرزمین یوتی یاست، این مرد بار دوم بر من پارس سرکشید و به مردم گفت، من پرتاده پسر کوروش هستم، پس آن گروه مردم، به سوی کاخ بودند از پیمان من سرتافته که وی رفتند، او شاه پارس شد.

داریوش شاه گوید: پس از آن من لشکری از پارسها و مادیهائی که بامن بودند (به جنگ او فرستادم) و ارتزوردیه نام پارس را که به فرمان من بود، سردار کردم، سپس ارتزوردیه به فرمان من باین سپاه بسوی پارس رفت و در جود به پارس رسیده، لشکری پرتاده که خود را پرتاده پسر وهی پرتاده که نامش ارتزوردیه کرده، در جایی بنام رخا جنگی روی داد، اهورامزدا باری کرد و به جنگ اهورامزدا سپاه من پرتاده وهی پرتاده پیروز آمد، روز دوازدهم ماه تورواهره این پیکار روی داد.

داریوش شاه گوید: این وهی پرتاده با سپاه اندک از آنجا، به بی بی باوود رفت و در آنجا سپاهی کرد آورده آهنگ جنگ با ارتزوردیه کرده، در جایی هشت نامش بر که آنجا جنگی روی داد، اهورامزدا باری کرد و به جنگ اهورامزدا سپاه من و وهی پرتاده را شکست سخت داد، سپاه من و سپاه وهی پرتاده را شکست داد و روز ششم ماه گرمبه ای این جنگ روی داد و مساحیان من این وهی پرتاده را بارسرته های هیرامش را دستگیر کردند.

داریوش شاه گوید: پس از آن، ایسن وهی پرتاده، و کسانی که سر دسته هیرامش را بودند در جایی بنام سوادای شیه روی داد، به فرمان من بدار کشیدند.

داریوش شاه گوید: ایست آنچه من در پارس کردم.

داریوش شاه گوید: این وهی پرتاده که خود را بریده می نامید، لشکری هم به هرخواستش به بندر یوانه نام پارس که به فرمان من، بهرین رخا است، فرستاد، و کسی را به سرداری این سپاه رسانده گفت، بویوه و یوانه و سپاهیان که در فرمان داریوش است و در رخ جایی دارد، شکست یابد، پس این سپاه به آهنگ یوانه و جنگ با یوانه شده، دژی هست گایش نام جنگ در آنجا روی داد، بهر اهورامزدا سپاه من سپاه شورشیان را در هم شکست این پیکار روز سیزده ماه اتملکه روی داد.

داریوش شاه گوید: باردم شورشیان کرد آمده آهنگ یوانه بیرون شدند، که جنگ کنند، سرزمینی هست بنام گنله در رخج، در آنجا جنگی درگشت، اهورامزدا مرا باری داد بهر اهورامزدا لشکر من سپاه سرکش شکستی سخت داد، روز هفتم ماه ویخته ایسن نبرد روی داد.

داریوش شاه گوید: پس از آن این مرد که سردار ایسن بود که وهی پرتاده به جنگ یوانه فرستاده بود، با سواران اندک، که با یوانه، بیرون رفته به دژ ارشادا نام در رخج درآمد، یوانه دژ او را در دیابل کرده او و سران هیرامش را گرفته کشت.

داریوش شاه گوید: پس از آن رخج زیر فرمان من شد، این است آنچه من کردم.

داریوش شاه گوید: زمانی که من در پارس و ماد بودم، باز دوم بابل از من سرگشت مردی آرخه نام ارمنی، به سهل پویه، در بابل بر من سرکشید، جایی هست نامش نیوکلتر بود. آنجا جنگی شد، و گفت من نیوکلتر پسر نیولید هستم، پس بابلیها بر من شوریید بسوی او رفتند، او بابل را گرفت و شاه بابل شد.

داریوش شاه گوید: پس از آن شهر مرو

داریوش شاه گوید: دادرتیش، نامی بودارمنی فرمان بردار من، او را بهارمنستان روانه کرده چنین گفت، بر مردمی که از من بر گشته اند پیروز شویید، با شتاب دادرتیش براه افتاد، پیروز شد، به هارمنستان رسید آن ارمنی ها که از من بر گشته بودند، گرد آمدند تا با دادرتیش جنگ کنند، در روستائی بنام زوزو در ارمنستان بیکاری در گرفته، اهورامزدا مرا باری از برای داشت به خواست اهورامزدا سپاه من بر سپاهی که از من بر گشته بود پیروز گشت روز ششم تورواهر این جنگ روی داد.

داریوش شاه گوید: مردمی که از من بر گشته بودند باری باری کرد آمدند که بسا دادرتیش جنگ کنند در دژی تیکر نام در ارمنستان نبردی شده اهورامزدا باری خود را بهمین پیشدیده، و به خواست اهورامزدا سپاه من بر سپاهی که از من بر گشته بود، پیروز آمد، در مجدم تورواهر، این جنگ روی داد.

داریوش شاه گوید: باردم مردمی که از من بر گشته بودند گرد شدند که با دادرتیش جنگ کنند، مورجائی از ارمنستان دژی هست اوها نام در آنجا جنگی کردند، اهورامزدا باری خود را بهین ارزانی داشت و به خواست اهورامزدا سپاه من بر سپاهی که از من بر گشته بود، شکست سختی داد، پس از آن دادرتیش ماند تا من بهام وارد شدم.

داریوش شاه گوید: پس از آن ویشه نام پاری را که فرمان بردار من است بهارمنستان فرستادم و چنین گفت، سپاهی را که از من بر گشته اند و خودشان را از من نمیدانند، در هم شکن و میسه در حال حرکت کرد، چون به ارمنستان رسید، شورشیان کرد آمده خواستند باو جنگ کنند در جایی ایژی توش نام از سرزمین آسور بیکاری روی داد، اهورامزدا باری خویش بنم این ارزانی داشت، بهر اهورامزدا سپاه من، سپاهی را که از من بر گشته بود، شکست داد روز پانزدهم اتملکه ایسن پیکار روی داد.

ستون سوم

داریوش شاه گوید: باز شورشیان کرد شده خواستند با و میسه جنگ کنند در جایی اوواتر نام در سرزمین ارمنستان نبردی روی داد، اهورامزدا باری خویش بنم این ارزانی داشت به خواست اهورامزدا سپاه من سپاهی را که از من بر گشته بود شکست داد روز ماه تورواهره بود که این نبرد روی داد، پس و میسه در ارمنستان ماند تا بهام در آیم.

داریوش شاه گوید: پس از آن من به راه افتاده از بابل بسوی ماد رفتم، چون بهام درآمد در جایی از ماد به نام گونوروش، فروریش که خود را شاه ماد میخواند، با سپاهی به آهنگ من آمد و بیکاری کردیم، اهورامزدا باری خویش بنم این ارزانی داشت به خواست اهورامزدا سپاه فروریش را شکستی سخت داد، روز بیست و ششم اتملکیش این پیکار روی داد.

داریوش شاه گوید: پس از آن فروریش با سواران اندک، که به او وفادار بودند، به سوی ری که در ماد است رفت، و در زمان،

های جورا که ابداع ویا سورتی جلی درآدمندان تا جلوی افزایش جیست گرفته‌شود.

شکل انقلابی

نظر من مهمتر آنست که گفته شود که جسمیات متخذ برای مردم یک حالت انقلابی دارند و بعدای سرمایه‌دار خصوصی از آنها بهره‌مند نشوند و از اینجا که بگذریم می‌بینیم که فاسیلی بینان سرمایه‌داران ازبکسو و کارگران و دهقانان ازسوی دیگر که شده است و تکلیفاتی که برمیخیزد و ملاحظه می‌شود که قیلا بسیار محدود است و اینها را باید می‌بینید و این امر حتی درواهی روستایی نیز به چشم میخورد و مدارس کاتولیکی که در آنها فرزندان کارگران پذیرفته می‌شوند جوانان دیلمه‌ها را که دراز معاشرت فقری مؤذبه شده‌اند بسوی دهات گسیل میدارد از ارزش زمینها دوباره بلااستفاده و این فقط قدم اول است.

هوزم روستاهائی وجود دارد که خانه‌هایشان راگلی است. اما ساکنان امروز بان‌های زندگی میکنند تا آنکه که سایر دهقانان نواحی دیگر بدست آورده‌اند گندم که درآمد حکومت، کشوری درحال توسعه می‌تواند آنها کند که در صورت باوجودان روستایی دردمندی کمتر ازیک‌دهه از ۷ تا ۲۳ درصد رسیده و درسطح کل جمعیت از ۱۸ به ۳۹ درصد افزایش داده‌اند.

و کدام‌کسری که ۵۰۰۰۰۰ ده دارد سابقا فقط ۱۰۰۰ ده‌ان از موهبت طبیعت استفاده میکردند می‌تواند ادعا کند که درحال حاضر قریب ۱۳۰۰ کاروازان از خدمات پزشکی استفاده میکنند ؟ من در اینجا فقط تصور کوچکی از این پیشرفت‌های اولیه میدهم و ترجیح دارم که درجای دیگر از علایط عظیمی که مردم از آنها ناله آورده‌اند بپردازم. درواهنه، سدهای عظیم، دانشگاه‌های جدید و غیره، زرا شایسته‌ای است از آیدهم که محتج کنیم تا بتوانیم عقیده راننده‌هوز نایزایی وجود دارد و فقر روستاها و دهی بیاری‌سایه انگنده است باستی دانشجو:

ایا اگر این انقلاب بعضی‌آنکه آرام باشد باعث کشت‌وکار درکشور میشد این وقت بشمار بیشتر وجود نداشت ؟ از آغاز تمدن تا حال این اولین انقلابی است که خون نیاکرده است، که خارها را نابودی نکشد، باعث توسعه حمل‌ونقل نشد، به خانها و پناهگاه‌های شهری آتش زدند است.

شاهنشاه باهمی که کرد کارگران انقلاب سفید بدون شک جایز جدا شدن دولت‌ها گرفتند.

کمیسیون اتحاد کتیکه می‌تواند نیز بر این اتحادیه‌ها، البته و بدیده تماشاگرانی همیشه، می‌تواند نیز ایجاد دهد و فرمان این را میدانند و اعلام میکنند که سی می‌تواند کورد خود را برای دمه آیدند بشکنند اما اینجا دیگر دمه آیدند وجود ندارد. نیروی است که باید حفظ شود و در طی سالها آفت‌زد آدامیندا کند تا نتیجه مثبت‌بنداید. محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاهی آرزاهم در انقلاب در پهلوانی‌های خود مورد تایید کامل و پشتیبانی نیروهای ملی هستند نه پهلوانی ایران نیز هر روز چنین ساعت از وقتانرا به وظیفه‌ای که خوشایند انتخاب کرده‌اند و در آن فعالیت میکنند اختصاص میدهند: حمایت کودکان در تمام جنبه‌های فقه‌الیه و غیره، و علاوه بر این پادشاه می‌تواند در کدرت‌های کمی مشورت این نهاد است. تصمیم داند و این‌صورت به تمام مسائل کشور از معنای شایان دارند و نیز مردم ایران که نیروی انگلیس و محرم که این تحولات هستند.

شاهنشاهی طی دو ملت ایران در شرایط عصر جدید، استواری بیوند خود را با شاهنشاهی خویش جلوه‌گر ساخت، و بعدها طی حوادث بسیار که از انقلاب مشروطه تا امروز بر ایران گذشت، در هر فرصت، دنیا شاهد جلوه‌های پرشکوه و ستاین‌انگیز این همبستگی و پیوند بوده است. بنابراین است که آنچه شاهنشاهی می‌گویند همانست که ملت می‌خواهد و آنچه ملت بان‌بازمنده است، در اراده قاطع شاهنشاهی ایران تجلی می‌یابد.

عصر آید انقلاب سفید را دنیا می‌تواند، آن پاسخ بر زمین آئین شاهنشاهی بشناسد که با ایمان و جانبازی ملت ایران، در قبال این آئین داده‌شده است و در سایه آن‌هم انقلاب مشروطه به‌توقف کامل و اوج خود رسیده است و همچنین فرصت گرانمایه‌ای آمده که ملت ایران بتواند به‌بازماندن و تدوین داده‌های آئین شاهنشاهی به نسیبای متدین پردازد و این میراث گرانقدر را از سینه تاریخ کهن برکنند و آیدند خود را تا روز زمان تاریخ آیدند آینه‌بندگ بر سر این میراث بنیاد گذارند. مفهوم زنده و خنده‌ناپذیر انقلاب مشروطه که از لایله‌های شک و قیاح روزانه آیدوزان حد تجلی مرید و غیرت و میهن‌خواهی و آئین‌پرستی می‌یابد این است که ملت ایران با انقلاب مشروطه بنیاد شاهنشاهی خویش را استوار ساخت و از گزند نجاته درونی و بیرونی حراست کرد و میسر ساخت تا در دامانش روزگاری بنایا آغاز گردد که بتواند در برابر تمدن نوپای غرب، انسانی‌ترین و عمیق‌ترین فرهنگ تمدن تاریخ را، در تمدن و آئین شاهنشاهی ایران را، بر آورده و در تابش آن راه مشکلات ملی و میهنی را از پیش پا برداشته، هدینا را بر می‌داند و توانا ساخت تا مشکلات حل ناشدنی خود را بتواند در این روشنائی حل کند و از یش باپردارد.

انقلاب مشروطه را با این جلوه نیاکنش بعنوان سنگ بنای انقلاب سفید و بعنوان تجلی اراده ملت ایران در عصر؛ برای دفاع از آئین‌شاهنشاهی می‌توانیم و بان‌درد می‌فرستیم.

یک انقلاب آرام

بمدان یکصدت آزمایش شده و مشخص که همواره نتیجه‌بخش بوده است، من در تهران شروع به انجام مساجیر کردم و موفق‌شدم باعث آن از ده وزیر ایرانی که وظایفشان با حرفه من تعلق داشت گفتگو کنم. دیگران غایب بودند و بعدن به‌بازدید از ۹ استان ایران پرداختم و در خلال این مسافرت همان تحقیقاتی را که چند سال پیش انجام داده بودم تکرار کردم.

در شهرها به بازدید از تمام ادارات پرداختم. ادارهای بهداشت، کشاورزی، آموزش و پرورش، اقتصاد و حمل‌ونقل و غیره، البته تعداد این ادارها افزایش یافته بود و سازمان‌های جدید جلب‌سیاسان، تلویزیون و فرهنگ و هنر منطقه‌ای با آنها اضافه شده بود. بخاطر روشن شدن اطلاعات بدست‌آمده بدیدن موزه‌ها، کارخانها، بیمارستانها و کارخانجات رتم بعد برای آنکه از طریق سمی‌وسری نتایج کار سه‌ماهه (دانش، بهداشت و ترویج) را بدینم بندهاترتم.

می‌خواهم تاکید کنم که خودم دهات را انتخاب می‌کردم چون به‌آنجاها میرفتم و البته این مسافرت‌ها با ماشین صورت میگرفت. من از شرکت‌های تعاونی روستائی که بوسیله وزارت اصلاحات ایجاد ساخته شده بود دیدن کردم، به‌گفته‌های آنها آموزشی که برای کشاورزی ترتیب می‌یافت می‌رفتم و در نامه‌های تلویزیونی را که بخاطر آنها نشاء داده‌ام می‌دیدم.

از تهران و شهرهای استان‌ها من ۳۳۵ کتاب و نشریه باخود آوردم. اما برای نگارش این کتاب من از تمام این منابع فقط مقداری اطلاعات کلی و آماری برداشتم. و آنچه‌ها در اینجا متعجب می‌کنم آن چیزی است که خود دیدم. در سال ۱۹۶۸ من با تصمیم بسیار چندین عمل انجام‌دهنده را برای کاغذ آوردم. نظیر تکمیل دانشگاه تهران، چندین سد بزرگ که ساخته شده و سایر دست‌ساختان بود، پالایشگاه آبادان، بیمارستان‌ها، مدرسه‌های حرفه‌ای و غیره.

کادر جدید

در سازمان‌های اداری کادرهای جدید وجود می‌آید و برپایه‌های روزی خواهان اجباری است و من در اینجا به ذکر مثال اکتفا میکنم. در یک مرکز مدرن وزارت‌ها و وزارتگان که فرار بود می‌تواند با وجود و من در ژوئیه ۱۹۷۰ از آن بازدید کردم. تمام اطلاعات من بود و مجسمه، فیثا دی‌جای خود درون گنجینه دفاتری که برای ثبت‌نام علاقمندان بوجود آمده بود قرار داشتند.

و دفاتر کلاسور آماده برای پذیرش پرونده‌های آیدند بود. در بحث تصادف من شاهد آزمایش وسایل بودم، همه چیز برای نشو و ندفعونی آماده شده بود و حتی شب‌های جارچی و غیره نیز دیده بودم و بالاخره چیزی که مرا متعجب کرد، به‌سالن بازی بود که بخوبی میشد بر آن نظارت کرد و در آن کودکان ۲ تا ۶ ساله می‌توانستند در چیزی انتظار مادر خود را میکنند بازی بپردازند.

این‌جا سازمان‌های و پیش‌گیری بقیه من یکی از خصوصیات بارز طرز فکری است که می‌باید به‌توجه آموخشود من می‌خواهم بگویم که هم‌جا موفق‌شده‌اند، اما آنرا بکار نمی‌گیرند، و این‌خود توفیقی است.

اما آیا صحیح است که در اینجا فقط ذکر آید پیشرفت‌ها بکنیم و بگذریم سریع از آن در دانش مطلمی‌هم ؟ می‌باید آنرا بشماریم و برای قبول کردن آنها همرا خلاصه‌ام: پیشرفت‌های بزرگ در هر چه‌جای آموزش بدست آمده‌اند، مبارزه روزانه بر علیه تنقید، راه‌حل فترت و بی‌خبری، آمان گرفته، با ایجاد کابوس‌های وحشت‌ناک منجر می‌شد، و ملت ایران با یک تمدن با دشمن شناخته‌شده خارجی - روبرو نبوده، با دو دشمن دشمن شناخته‌شده دست و پنجه‌مزم نمیکرد، در هر خانه، چندین دشمن خارجی بودی شده و خودم‌ها، بیجان ملیت ایران و حاکمیت آن افشاده بود، و آنچه باید نقطه قدرت و قوت ملی و میهنی برای این بیکار باشد، آنچه باید پناه و تکیه ملی در نبرد نیاکنانه بشود، و ساینه حمایت خود را بر سر ملت بکشد، و فروغ راه‌گشائی خود را، در گذرگاه آیدند تابان سازد، خود در تاریکی و تاریکی‌وفساد فرو خفته بود، و تحمل سنگین این نقطه اکتاء، بردشواری بیکار ملی افزوده بود.

روزی که ملت ایران برای مشروطه قیام کرد، از چشمه یک الهام عبرت و آسمانی سرآب شده بود و آنچه مطالبه میکرد، عبارت از قسمتی از اصول آئین شاهنشاهی بود، و به‌این ایمان داشت که بااستمرار و تجدید قدرت قسمتی از اصول آئین شاهنشاهی، راه برای بیداری ملی و بیداری دولتمانی که پس از فرها استقامت در تن‌شدن شاهنشاهی تکلیفاتی این آئین را بعهده گرفته، بخوار خواهد شد و این بود که قیام کرد، نخست برای گشودن عدالتخانه و بعد برای دفاع از آئین شاهنشاهی که تصرف ناهل، دست روزگار را برشکوه و فر جاودانه آن باز کرده بود، و ما امروز به روشنی می‌بینیم که انقلاب مشروطه، قیام مردم شهر و روستا برای حراست از گوهر شاهنشاهی بود، گوهری که حاکمیت و ملیت ایران، در آن متبلور شده است و جاودانگی آنرا، در آیدند، چون نیز زوال بودنش، در گذشته بیهوده کرده است. حاصل انقلاب مشروطه آئین، در برابر ماست. موانع بیداری خود را بر سر حراست از آئین شاهنشاهی گذاشتند. آئین خدائی و تقدیس شده را، که هدف اصلی دشمن‌خارجی بیکانه داخلی بود، و بدست‌های توانا و شایسته‌ای سپرد که سرشودت برای چنین روزگاری در زمان ایران پرورد می‌دهد.

در اینجا نخستین مرحله یک رستاخیز نو در تاریخ



خاتم فردی بیون، بانوی محقق فرانسوی است چند سفر تحقیقاتی که با این داشته است کتابی نوشته که ما طی دو شماره آخر معرفی می‌کنیم. در شماره هر دو مقاله متقدمه خاتم فردی بیون هم‌چنین برداشته‌های او را از نمرات انقلاب سفید ایران که بان نام انقلاب آرام داده است دیدیم و اینک بدین‌ناله می‌طلب می‌پردازیم، باشد که از این رهگذر، آیدین این بانوی محقق و نویسنده فرانسوی بیشتر آشناسویم.

تحقیقات شخصی

بین اجازه دادند تا بییل خودم تحقیقات خود را در بهترین شرایط ممکن انجامدهم.

مفهوم نو جشن مشروطه ...

بغیه از صفحه ۱ روز افزون گرداده بودند و به‌مکیدن عماره این کشور اکتفا نمیکردند و می‌توانند تا از نفوذ و قدرت خود برای کوچک و کوچک‌تر کردن حاکمیت شاهنشاهی ایران بر تمامیت ارضی قدیم و تثبیت شده آن، استفاده بپزند. راه شاهنشاهی که در طول تاریخ تمدن جهان، زبانه‌ز شده از میان بر خاسته بود و شهرها و شکوفائی و باروری دادوستد و تولید را در درون خود، و دست‌تحرک در ارتباط با شهرهای دیگر را از دست داده بود، و بی‌سای شهرهای بلندآوازه ایران که پاساژ دادوستد منطقه‌ای بود، شهرهای در بیرون مرزهای ایران نام‌آور شده و این‌شهرها، با ریشه‌های نفوذ خارجی، رنگ اقتصاد شهرهای ایرانی را، در اختیار گرفته بود و می‌تواند.

ناتوانی و درماندگی آن دولتمان، کار را بجائی رسانده بود که از درون تباهی و فساد و تاریکی و سبکون برج‌نامه پیرترو و توانائی ایران مسلط ساخته بود و از بیرون، چاه غم‌خواران را بر سر نوشت مرزوبوم شاهنشاهی چیر‌ساخته بود که هر روز، حلقه محاصره را در فرخوردن و محسو کابودت ایران تنگ‌تر می‌ساخت و از شرق و غرب و شمال و جنوب چنانکه مد دریا خشکی را فرو می‌برد و پیش می‌آمد. شهرها و روستاها را که قرن‌های قرن باخون و کارایرانی آباد شده بود، می‌بیلد و جلو می‌آید و در داخل نیز راه را هموار می‌ساخت تا ناگهان، آئینی را که بدینا فروغ گمنام بخشیده بود، خاموش کند.

در این بیکار شگفت، آنچه گفتنی است، یادآوری این نکته است، که تمام سنت‌ها و عوارض غیرایرانی، که در دوران هجوم توفان توحش با اینان، چون رسوب سیلاب، در شهرها و روستاها به‌تمدن ایرانی آمیخته‌شده بود، در آن دوره

روزنامه انقلاب سفید

۴ - خرداد
 ● قرارداد فروش نفت ایران بدولت افغانستان برای مدت یکسال
 ● بهامضا رسید.
 ○ خرداد

● نصب چرناغی فولرست برای تأمین روشنائی خیابانهای تهران آغاز شد.

● لوله گذاری آخرین قطعه خط لوله نفتقزوین - به رشت آغاز شد طول این خط که در فاصله بین کوهین و امامزاده هاشم قرار دارد یکصد و چهل کیلومتر است. ● تهران تا رشت امتداد خواهد یافت.

۶ - خرداد
 ● شرکت ملی نفت ایران سروس سوخت گیری هواپیماها را در فرودگاه های کابل و کندهار ایجاد و اداره میکند.

● عملیات اسفالت رادمان و آذغانگرید.

۷ - خرداد
 ● وسایل احداث ۲۰۰ دستگاه خانه روستائی در قریه «شوانکندی» در خوی (آذربایجان شرقی) آماده شد.

۸ - خرداد
 ● نصب پارسی دوم تلفن های خودکار شیراز که دوهزار شماره است، شروع گردید.

۱۰ - خرداد
 ● قرارداد اعتبار ۷/۸ میلیون دلاری امریکا به ایران به امضاء رسید، این اعتبار صرف تکمیل و اتصال خط آهن ایران به ترکیه (شرقخانه، قانور) و نیز توسعه تاسیسات راه آهن ایران خواهد شد.

● شاهنشاهی تاسیسات نوین یادگویی گرا افتتاح کردند. این تاسیسات شامل ۱۲۰۰ دستگاه خانه می باشد که ۲۰۰ دستگاه مستقل و ۱۰۰۰ دستگاه دیگر آپارتمان است.

● تاسیسات این کورن نوین با حدود ۶۱۰ میلیون ریال هزینه برداشته است این ساختمانها به اقطا ۲۰ ساله بین کارگران واجد شرایط دولت تقسیم شده است.

۱۱ - خرداد
 ● در پیشگاه اعلیحضرتین سان بوکی و دستگاه تصفیه آب استخر امجدیه افتتاح شد و احداث سائن ورزش زمین تاسیسات آغاز گردید.

۱۳ - خرداد
 ● کارهای کارآموزی برای آشکار کردن کشاورزان دایره استن کارلها کشاورزان را با وسایل جدید کشاورزی آشنا میکند.

۱۴ - خرداد
 ● در مانگا جدید تاسیسات قریه «هواز ناخید» در ساوه شروع بکار کرده. این در مانگا به نام ششم بهمن نامگذاری شده است.

۱۵ - خرداد
 ● ۳۸ مکنده اولین سری از املاک خرمدلانک در دماهر گوراب کیلان بین زارچین منطقه تقسیم شد.

● در این مراسم ۳۲۷ کشاورز بر اساس دومین مرحله اصلاحات ارضی دارای زمین شدند.

۱۶ - خرداد
 ● بیمارستان مجید وزیرک بیمارهای داخلی کارگران افتتاح شد ازین بیمارستان کارگران بیمه شده استفاده میکنند.

۱۹ - خرداد
 ● اولین کنگه ساختمان و احداث خانه های سازمانی افراد شهریانی در نازی آباد توسط آقای نخست وزیر زمین زده شد.

۲۱ - خرداد
 ● بانک جهانی ۱۸۵ میلیون دلار به ایران اعتبار داد این اعتبار به مصرف یکصد و شصت و هفت پروژه (تاگستان - تبریز) - (سقر - تبریز) (محمودآباد بهامل) و یکسراه فرعی در اهواز میرسد.

۲۳ - خرداد
 ● عملیات مشترک ایران و شوروی برای اطلاعات ساختمان دوند پرووی رودخانه های شوروی شد.

۲۴ - خرداد
 ● طرح مطالعه و نقشه برداری راه سیرجان و شیراز به تصویب رسید این راه محور بندرعباس - کرمان را به محور استهبان شیراز و بو شهر متصل میکند.

۲۵ - خرداد
 ● تاسیسات واحداث شهر صنعتی تبریز آغاز گردید. در این شهر واحد های صنعتی بزرگ از قبیل کارخانه های قند، آب و سوسازی، پارچه، پاپی و سیمان سازی دایر میشود.

۲۷ - خرداد
 ● عملیات ساختمانی برای ایجاد راه های فرعی «هریس» به تبریز بطول ۴۰ کیلومتر، «کرمی» به شهر اردبیل بطول ۷۴ کیلومتر آغاز شد برای انجام این راهها ۳۰ میلیون ریال در نظر گرفته شد.

۲۸ - خرداد
 ● برای اسفالت ۱۰۰ خیابان تهران اعتباری مبلغ ۱۸۰ میلیون ریال تصویب رسید.

۳۰ - خرداد
 ● کتسیوم نفت حاضر شد قیمت هر بارل نفت خام ایران را ۵۴ سنت افزایش دهد.

● قرارداد سه ساله بازرگانی ایران و شوروی امضاند.

● ساختمان کارخانه برقی متکین شهر آذغانگرید.

۳۱ - خرداد
 ● در آموزشگاه ابتدائی در آذربایجان شرقی شروع بکار کرد. با افتتاح این آموزشگاه، تعداد مدارس که توسط سپاهیان دانشجو آذربایجان شرقی ساخته شده اند ۶۳۳ مدرسه رسید.

۲ - تیر
 ● وزارت راه ساختمان پل فری « ششگرو - نود » را آغاز کرد.

۴ - تیر
 ● در پیشگاه شاهنشاهی و شاهانو، موسسات تصفیه خانه تازه سازمان آب تهران در نزدیکی کن گشایش یافت.

● این تصفیه خانه با توزیع ۶۵ میلیون متر مکعب آب در سال، شامل (آبگیر جدید کرج - خط لوله انتقال آب خام بطول ۳۲/۵ کیلومتر - تصفیه خانه شماره ۲ با ظرفیت ۸ متر مکعب آب در ثانیه، خطوط انتقال آب تصفیه شده بطول ۱۸ کیلومتر - مخازن جدید آب تصفیه شده ۶ مخزن و با ظرفیت کل هر یک ۱۳۰۰۰۰ متر مکعب آب و تاسیسات اداری و تولید برق مورد احتیاج میباشد.

۵ - تیر
 ● در استان خراسان پایان ساختمان و بهره برداری از ۳۱۸ کیلومتر راه فرعی اعلام شد.

۶ - تیر
 ● دومین دستکاران راهروانشی شروع بکار کرد هزینه ساختمان این دستگاه ۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال میباشد.

۸ - تیر
 ● عملیات ساختمانی احداث سه سد کوچک در استان خراسان شروع شد.

۱۲ - تیر
 ● ساختمان ۵۰ متل در بین راههای شیراز به تهران و بازرگان بهران آغاز شد.

۱۴ - تیر
 ● کنگه ساختمان چهارم سد خانجید در کوی کز زده شد.

۱۵ - تیر
 ● سه هزار شماره تلفن جدید شیراز آغاز بکار کرد.

● وزارت اقتصاد اعلام کرد یک سردخانه و یک کارخانه آجر سازی و یک کارخانه آرزمازی در شهر کرمان در دست تاسیسات.

۱۶ - تیر
 ● از طرف سازمان برنامه قرارداد لوله کشی آب مشروب شهرهای شوش در خوزستان - کلیسا سرورجان در امشهان و برق انارک در امشهان - اسفالت و پل سازی مداوم در استان مرکزی - لوله کشی آب مشروب آبیک در استان مرکزی - لوله کشی آب لطف آباد در خراسان در شهر داران شهرهای مذکور بنه شد.

۱۷ - تیر
 ● قرارداد فروش ۱۰۰ هزار تن سنگ گرومیت با دولت فرانسه به امضا رسید.

۱۸ - تیر
 ● شست طرح صنعتی برای استان های آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی به تصویب رسید.

● ششگویی آماده راه استان فارس گزارش داد ۳۰ درصد عملیات راه فرودگاه و ۸۰ درصد عملیات راه گوراب پایان یافته و راه نقش رستم و آذغان نیز خاکریزی و زیرسازی شده است.

۲۰ - تیر
 ● عملیات ساختمانی احداث سه پل ارتباطی در امشهان آغاز شد. این پلها در روی نهرهای کوچک آسیاب سنگرچیان و کنتارگاه نصب میشود.

۲۱ - تیر
 ● موافقتنامه بازرگانی ایران و ژاپن به امضا رسید. به موجب این موافقتنامه تجارت ژاپنی موظفند هر سال ۶ میلیون دلار از ایران کالا خریداری کنند.

● مرکز تلفن دو هزار شماره ای تلواریون گشایش یافت.

● عملیات ساختمانی قطعه دوم راه آهن شرقخانه - قانور پایان یافت. طول قطعه دوم ۱۵ کیلومتر است.

۲۲ - تیر
 ● عملیات ساختمانی لوله کشی آب منطقه جوادیه و نازی آباد در جنوب تهران شروع شد.

۲۳ - تیر
 ● عملیات ساختمانی ایجاد سرخانه و کارخانه آجر سازی « هوفاند»

۲۴ - تیر
 ● عملیات ساختمانی ایجاد سرخانه و کارخانه آجر سازی « هوفاند»

۲۵ - تیر
 ● عملیات ساختمانی ایجاد سرخانه و کارخانه آجر سازی « هوفاند»

۲۶ - تیر
 ● عملیات ساختمانی ایجاد سرخانه و کارخانه آجر سازی « هوفاند»

۲۷ - تیر
 ● عملیات ساختمانی ایجاد سرخانه و کارخانه آجر سازی « هوفاند»

۲۸ - تیر
 ● عملیات ساختمانی ایجاد سرخانه و کارخانه آجر سازی « هوفاند»

۲۹ - تیر
 ● عملیات ساختمانی ایجاد سرخانه و کارخانه آجر سازی « هوفاند»

۳۰ - تیر
 ● عملیات ساختمانی ایجاد سرخانه و کارخانه آجر سازی « هوفاند»

۳۱ - تیر
 ● عملیات ساختمانی ایجاد سرخانه و کارخانه آجر سازی « هوفاند»

۱ - مرداد
 ● در خراسان شروع شد. ● بودجه ساختمان این دو کارخانه ۲۵۰۰۰۰۰۰ ریال میباشد.

● قرارداد ایجاد شبکه آب آتامیدنی شاهرود به مبلغ ۷۱۰۰۰۰۰۰ ریال ۱۳۴۱

۲۵ - تیر
 ● مقدمات ایجاد ۲۰۰ دستگاه خانه مسکونی در ۳۵۰ هزار متر مربع زمین با بودجه ای برابر ۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال در تهران پارس آغاز گردید. این خانه ها به کارمندان دولت که خانه ندارند، داده خواهد شد.

۲۷ - تیر
 ● بهره برداری از سبیل و دو سد کوچک و یک خیابان جدید در شهر امشهان شروع شد.

۲۹ - تیر
 ● اعتبار ۲۰ میلیون دلاری برای ساختمان راههای کشور تصویب شد.

● عملیات مربوط به ساختمان راه فرعی بندرعباس - گنو پایان یافت و راه تحویل فرمانداری کل بندر عباس شد. طول این راه ۲۶ کیلومتر است.

۳۰ - تیر
 ● برای اولین بار در ایران یک بانو به معاونت استانداری رسید.

۳۱ - تیر
 ● در بندر عباس ۵ دستگاه « تله تاپ » مخابراتی شروع به کار کرد.

● ساختمان راه تازه که امشهان را به منطقه پرچمیت فلاورجان مربوط میسازد آغاز شد.

۳ - مرداد
 ● ساختمان شبکه برق بندر شاهرود با اعتباری به مبلغ ۲۹ میلیون ریال شروع شد.

۴ - مرداد
 ● از شبکه تراز برق طیس به قدرت ۵۰ کیلووات امیر که به صرف هزینه ای مبلغ ۲۷۰۹۷۲ ریال ساخته شده، بهره برداری شد.

● اعتبار تاسیس دو کارخانه قند در استان فارس تأمین گردید.

● این دو کارخانه در مستی و یاسوج ساخته میشوند.

● اجازه تاسیس دانشکده علوم در امشهان و تاسیس موسسه عالی حسابداری و مدرسه عالی دختران و موسسه علوم بانکی در تهران تصویب گردید.

۵ - مرداد
 ● عملیات ساختمانی ۳۰ دستگاه خانه در کازرون در استان فارس شروع شد.

۶ - مرداد
 ● ده هزار هکتار آذربایجان سند مالکیت زمین های خود را گرفتند.

● بین ۱۲ شهرداری کشور و سازمان برنامه قرارداد تأمین آب ساختمان کنتارک - تومسه لوله کشی - اسفالت - ساختمان حمام و برق به امضا رسید.

۷ - مرداد
 ● بهره برداری از پل بزرگ « سیوان » در استان کیلان شروع شد. این پل با کمک مالی مردم منطقه و بهمت سپاهیان دانش ساخته شده است.

● اعتبار پل انداختن یک کشتی بزرگ ساخت ایران در دریاچه رضائی به مبلغ ۵۰ میلیون ریال تصویب شد.

۸ - مرداد
 ● ساختمان ۸ آموزشگاه ابتدائی در روستاهای بندرعباس آغاز گردید.

۹ - مرداد
 ● عملیات ساختمانی احداث کانال « قره دیز » در دشت مغان شروع شد. این کانال مزراع نواحی مرزی را مشروب خواهد کرد.

۱۱ - مرداد
 ● فعالیت هواپیماهای جت مافوق سرعت موت آغاز شد.

۱۲ - مرداد
 ● ساختمان تاسیسات لوله کشی آب شهر شادگان در استان فارس پایان یافت.

۱۳ - مرداد
 ● اعتبار ۱۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریالی برای اجرای طرح سرپرستی شرکت های تعاونی روستائی کشور تصویب شد. از محل این اعتبار ۸۰۰ شرکت تعاونی روستائی در ارمنی که توسط قانون اصلاحات ارضی تقسیم شده و ۳۰۰ شرکت در املاک تقسیم شده ماستی و ۱۵ واحده تعاونی تشکیل میشود.

● مجموع اعتبار سازمان برنامه برای احداث سه هزار شرکت تعاونی روستائی در سراسر کشور ۱۹۷۰۲۵۰۰۰۰۰ ریال بالغ شده است.

لژیون خدمتگزاران بشر، نمود یک منش انسانی

(۲)

دیروز گفتیم که منشود
کوردی کیسرت - منشود
آزادی انسان - در صرما
و پاندهیو بجکلا شامنه
آرامهر اشکوارا ناره
بزگرتو پانسه است
شاهشاه آوامهر پاندهالی

باشد که از این وکلر ،
بهکشف واروا و تکمها
انسانی دیگری درایمنشود
استی - دست یابیم
بازحم سیاسی و تاش
شیریت تا سراندهست
پینگتار این اسامی-مترتی
نثار داریم .

آنچه در اینجا میاید قسمت
هالی است از متن سخنرانی ، و
در حقیقت متن سخنرانی لژیونی
شاهنشاه آرامهر که در تاریخ ۱۲
درماه ۱۳۴۷ در دانشگاه ارومیر
در مراسم دریافت دکترای افتخاری
از این دانشگاه ایراد فرمودند :

«... جامعه کنونی ما بخلغانان
اجتماعی که درونمای آنرا دوا بر
خجاشه داریم جامعه ای بیچاره است
و این بیچاره در تمام سطحهای
آن بیخوش میخورد چه در سطح
پایه ای و چه در سطح ملی ، چه
حقیقی و چه ظاهری و خواندنی .
آنچه جامعه کنونی بشری را دچار
شعش و بیقرارش میگرداند و
است که ریشه مزمزم دارد .

اصول تعاونی است کما اتون
میگوشیم تاآزادی اساس کاراجتماعی
نون خود قرار دیم .
* * *
« امروزه صدها میلیون نفر از
مرد جهان در سراسر روی زمین
از بیبازی ، از ترستی ، از جهل
وجود آید که در آن افرادی آفر
کشوره هر طبقه ، هر نژاد ، هر
مذهب ، هر جنس ، هر سن ، دهر
سازوج بشر دوستی بیاری آنها
تکوارانی دارند که بافکارهای
براه دارند نامگر احتیاج به راه
بشوند . صدها میلیون فرد وزن
گوند و سالخورده در شمال و
جنوب و شرق و غرب جهان دیده
برای اذیت نامگر کسانی از راه
بجیت در رفع آلام آنها بکوشند
من حق دارم که به موازات آنان
میلیونها نفر نیز در همین شرق
و غرب و شمال و جنوب جهان
هستند که در قلب خویش آرزوی
این خدمت بیبشانه و انسانی رایبه
فرمان خود دارند . میلیونها نفر
هستند که بیبشانه و بیبشانه
و بیچاره و بیچاره و بیچاره
آرامهر مقدس بشری است ،
فرد فرستیم

خویش از یک صد واقعا انسانی
و همین دلیل مقدس الهام و نوری
میگردد .
پانوجه بدین واقعیت من امروز
پیشنهاد میکنم کسبهای بین المللی
بنام « لژیون خدمتگزاران بشر » را
وجود آید که در آن افرادی آفر
کشوره هر طبقه ، هر نژاد ، هر
مذهب ، هر جنس ، هر سن ، دهر
سازوج بشر دوستی بیاری آنها
تکوارانی دارند که بافکارهای
براه دارند نامگر احتیاج به راه
بشوند . صدها میلیون فرد وزن
گوند و سالخورده در شمال و
جنوب و شرق و غرب جهان دیده
برای اذیت نامگر کسانی از راه
بجیت در رفع آلام آنها بکوشند
من حق دارم که به موازات آنان
میلیونها نفر نیز در همین شرق
و غرب و شمال و جنوب جهان
هستند که در قلب خویش آرزوی
این خدمت بیبشانه و انسانی رایبه
فرمان خود دارند . میلیونها نفر
هستند که بیبشانه و بیبشانه
و بیچاره و بیچاره و بیچاره
آرامهر مقدس بشری است ،
فرد فرستیم

مهر و مینها ، بیبشانه ، ستگرها ،
تعبیات ، کینهتوزیا ، دشمنها ،
هفت ، چهل ، گرسنگی ، بیسواد
فوق اینها - بیبشانه است که
از گلشنه برای ما بر اوت رسیده
است . کمن نفاق اساس وضع
ارزون ما با گلشنه است که این
مردم ما نیز دریافته ایم و چون این
آفات اسری توسط ما و اجتناب
ناپذیر نیست .
الته توجه بدین واقعیت برای
نوع انسان نگرانی و اضمحلت برای
پدید آورده است که افکارا همان
مایه نجات او است .

داده و به اصطلاح « درجا » نوند .
« این سر تکاملی جامعه بشری
یک اثر است که بهرحال میاید براین
همکاری هر چه بیشتر جموع بشری
بر اساس نظام متقابل و اشتراک
مساعی عمومی در رفع مشکلات
و جهانی و ملی متکی باشد و همین
جستج است که با استفاده داریم
بهترین راه این تشریک مساعی در
هر اجتماعی با هر روشی و هر سیستمی

دروغ سیمای دیگر مرگ است

بقیه از صفحه ۸
داریوش شاه گوید : این است آنچه من بخواست
اهورازدا ، در همان یکسال پس از آنکه شاه شلم ، کردم
۱۹ جنگ کردم . بخواست اهورازدا ، من آنها را زدم
و ۹ شاه گرفتم .
یکی گویم نام مغ بود . او دروغ گفت . چنین
گفت « من بردی پسر کوروش هستم » . او پارس را نافرمان
کرد .
یکی « آژین » نام خوزی . او دروغ گفت . چنین گفت
« من در خوزستان نام هستم » . او خوزستان را نسبت بمن
نافرمان کرد .
یکی « نلدیتیر » بابلی . او دروغ گفت . چنین گفت
« من بختانصر ، پسر « نونلید » هستم » او بابل را
نافرمان کرد .
یکی « مرتی » نام پارسی بود . او دروغ گفت .
چنین گفت « من آیشین ، در خوزستان شاه هستم » . او
خوزستان را نافرمان کرد .
یکی « فروری » نام مادی . او دروغ گفت . چنین گفت
« من ، خشت تربیت ، از دودمان خویشتر هستم » . او مادی را
نافرمان کرد .
یکی « چی رتتم » نام « اسرتی » . او دروغ گفت .
چنین گفت : من در اسرتک ، نام هستم . از دودمان
خویشتر . او « اسرتک » را نافرمان کرد .
یکی « فرانه » نام هروی . او دروغ گفت . چنین گفت
« من در مرو شاه هستم » او مرو را نافرمان کرد .
یکی « وهیزدان » نام پارسی . او دروغ گفت . چنین
گفت « من بردی پسر کوروش هستم » . او پارس را
نافرمان کرد .
یکی « ارخ » نام ارمنی بود . او دروغ گفت . چنین
گفت « من بختانصر پسر « نونلید » هستم » . او بابل را
نافرمان کرد .
داریوش شاه گوید : این ۹ شاه را من ، در این
جنگها گرفتم .
داریوش شاه گوید : این است کوههایی که نافرمان
شدند . دروغ آنها را نافرمان کرد که آنها بگردم دروغ
گفتند . پس از آن اهورازدا ، کردها را بدست من ، بپرگونه
که خواست من بود ، همدان با آنها کردم .
داریوش شاه گوید : تو که ازین پس خواهی آمد
خود را فرود از دروغ بیاوی . اگر چنان آندیشه کنی که
کشور من ، در امان باشد . مردی که دروغزن باشد ، او را
سخت گیرند .
« از سنگ نبشته داریوش یکم ، شاهنشاه بزرگ هخامنشی
در بیستون »

فرهنگ ، زیر بنای

جامعه ایرانی

بقیه از صفحه ۸
خود ، راه را شناختن بود . او
تبار خود را در جهان پراکنده
والترتی و اندیشمندترین فرزندان
خود را به پاین مردمو مسل
داشت و آنرا ، این سرزمین را
یافته و دریافته و با پایبانی آن
کوشید و گوش آنانی را بافت
آمد ، فرایز برای نیاپ گسترده .
و ایرانیان و سایر والای آدم ،
و امیران و پادشاهان ، در همه
حال ، فراموش نکردند که همه
کامیابیها را از پرتو داشتند .
تکرار آنها ، سختی بود که رنگ
دیگر میگردت .

آلای ترا فرزندی خردسال باشد ،
او را بدیستان فرست . زیرا فروغ
داشت چون دیده دوشو است بیباید .
آنان پرورش و راستی دریافته
بودند که زینتای هر جامعه ،
فرهنگ است و نوبت فرزانان ،
در همان آغاز کودکی شکل میگیرد .
خوی پذیرندگی گوید ، آندیشه ای
است که چلای حقیقت دارد ، و
تصور آموخته باشد ، دیدها ،
شنیدهها را ، و روشن تر ، با نظر
برایفخ حساس خود میبازد ، و
پایبند ، از همان کودکی به
موضوع آموزش و اهمیت میداند .
خیرندان ، مملکان و مریبان ،
هر کدام ، بچاه کود را ، که
میایکتن سن آنان ۱۱ سال بود ،
روزی هشت ساعت ، با فرایزی
درس ، تعلیم میدادند و زیر نظر
داشتند . آنان ، فرزندان خردسال ،
از ۵ تا ۸ کمر تا ۹ میار ، را
پشت سر نهاده بودند ، تا ناپسالی
نزد پدران نمیدردند . چه میدانستند
که محبت پدران ، در صورت بروز
حادثه های تلخ برای کودکان ، بدل
به پستی و اندوهی گران میگرد
از سوی دیگر مردان ، بنابه واقعیت
خود ، کمتر میتوانستند به مسائل
خانوادگی ، که بیشتر ، زنان ،
عهده دار آنچان آن بودند بپردازند .
فرزندان بزرگان در دربار تربیت
میشدند و برای کودکان هر طبقه ،
از طبقات اجتماع ، آموزشگاههایی
میجر و مدارس متعدد فراهم میشد
کودکان پس از فراگرفتن درس
و روزانه و وقت امان از آنها ،
به گروههای مختلف تقسیم میشدند .
گروهی برای اشتغال با قوانین

چه ، سرانجام دروغزن ، بکفر آندیشه ای تباخ خود میرسد .
و مرگ ، تعلقه پایان هستی اوست .
و شاه شاهان ، شاه بزرگ هخامنشی ، که از دیرگاهان
بزرگ ، واز پانگمنشان است ، بجهدل با دروغ و دروغزنها
برخاست و آنها را بکفر رسانده است . و این لوح متنس ،
بردهی همداری است که در برابر انسانهای دیگر گسترده
شده و جاودانه . حقیقت را ، فریاد میزند . این منش شاهان
است که با دروغ بجهدل برخیزند و دادگری را به پستایش
نشینند . و نهتاهار ، در محدودهی هستی خود ، بلدر آینه هم
نگران آدمیزادگان باشند تا از سقوط به کام اهریمن ناپاک
دروغ ، اجترار جویند . شاه شاهان ، داریوش بزرگترین
لوح ، ضمن تشریح و ترمیم آنچه در آغاز او ، رخ
نموده است ، میگوید تا شاهان دیگر ، و همه ای انسانهای
دیگر را ، از دست یازین به دروغ بازدارد و این خوی اهریمنی
را ، از میان بردارد . این ، سهم شاهان پارس است . شاهانی که
نهتاهای دریک جامعه ، بل در تمام جموع بشری ، به انجام رسات
خود ، بایفردند ، و میشارند .

چهره سازنده جشنها ...

- بقیه از صفحه ۸
- ساختمان فرودگاه لوی کویتر در محوطه ای با وسعت ۱۳ هزار مترمربع در نزدیکی هتل داریوش تخت جمشید ،
- آسفالت گرم راه نقش رستم بطول ۳ کیلومتر و عرض ۶ متر .
- ساختمان پارکینگ در پاساژک با مساحت ۶۲۵۰ مترمربع
- ساختمان فرودگاه لوی کویتر در نزدیکی موزه کوروش
- و آسفالت جادههای مربوطه بعرض ۵ متر و طول ۷ کیلومتر .
- تجدید ساختمان و آسفالت راه تهران - آرامگاه بطول ۷ کیلومتر و عرض ۱۸ متر
- تجدید درختان آسفالت راه مشهد - طوس ۳۰ کیلومتر
- راه همدان - گنجا به هره کیلومتر
- راه شوشتر - گاسوار ۱۷ کیلومتر
- همچنین هنرمندان با برقراری جشنهای شاهنشاهی ایران ، راه آراهن سراسری تهران - ارومیر و پهریدراری قرار میگردد .

علاوه بر ساختمان راههای فوق ، هزاران کوهسازان
فرعی و روستایی بنابندست شوقی ، ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی
ایران احداث میگردد که بموقع آنها را برخواهیم شمرد .

روزنامه جشن شاهنشاهی ایران نشر مخصوص وزارت اطلاعات

این روزنامه طی ۱۰ شماره همواره با چهره
کنشور و پیرایه با تیراژ کلیه روزنامهها چاپ
و منتشر میشود .
تجه و تنظیم زیر نظر : ایرج نبوی

اگر در کشورها ، که شکوه برکت از آنها میترانند ،
و جان مایه های آدمی را ، با دستهای خود ، بیای او میریزند
آفتی فرود آید ، در بیباید که افسردگی در درگاههای سزای آنها ،
جان میگیرد . و فرجام ، منتهای که برکت را فریاد میزندند
بدل بپایه های خشکیده و فرسوده میگردند . و تباهی روی
مینمایند . و حاصل دروندگان ، « هیچ » است .
و اگر وقت دروغ ، در جان انسانی فرود آید ، او را
از اوغ انسانی ، با حقیقت حیوانی میکند . و انسان آفت زده ،
انسانی که دروغ را پذیرا شده و گوهر خود را از اوغ
راه راست و رستگاری را بدست فراموشی میسپارد . و در
کوردهای ، که غبار تیرگی آرا فرویشده ، و ادامه اش
در تیرگی است ، گم من میهد . دروغ مفهوم دیگر مرگ است .
شماره یازدهم



حسبرای جشن ازد اخل و خارج

۴ اسکله و یک فرودگاه عظیم:

ارمغان جشن شاهنشاهی
برای استان ساحلی

* ۴۷ میلیون تومان برای عمران و آبادانی استان ساحلی و جزایر بنادر

درمانی طرحهای متعددی اجرا درمیآید. بهنام سرعتی که بهایام برگزاری جشنهای فرخنده، نزدیک میوم، عملیات تکمیلی برنامههای عمرانی مملکت نیز پیش میرود.

راه سازی

- اینهم ... قسمتی از برنامه سازی که بنسبیت جشنهای شاهنشاهی از طرف وزارت راه اجرا خواهد شد؛
- تمام شاهراه جدید تانکستان - تبریز - بازرگان بشکل یک راه اصلی درجه یک، طول راه ۷۱۰ کیلومتر و عرض آن ۱۱ متر میباشد.
- مرمت اساسی و روکش آسفالت راه کرخ - قزوین بطول ۱۰۳۳۵ کیلومتر که بهر ۱۵ متر انجام میگردد. هزینه اجرای این برنامه بالغ بر ۳۸۰۰۰۰۰۰ ریال است.
- مرمت اساسی راه تهران - ساوه - اسفهان - تخت جمشید بطول ۸۸۵ کیلومتر
- تجدید و تعریض ساختمان راه تخت جمشید - شیراز بطول ۵۲ کیلومتر و عرض ۱۱ متر.
- ایجاد یک راه انحرافی در مسیر شیراز - اسفهان در محوطه تخت جمشید بطول ۵ کیلومتر و عرض ۱۱ متر. بقیه در صحت ۷

چهره سازنده جشنها

همچنین یک هنرستان صنعتی مجهز با اعتباری معادل ۱۳ میلیون تومان در بندر عباس ایجاد خواهد شد. برای آموزش و تعلیم صنایع دستی، مراکز نمونه‌ای تأسیس میگردد.

● بنسبیت برگزاری جشنهای شاهنشاهی، در استان ساحلی تعداد ۴۲۰ دستگاه خانه با کلیه وسایل لازم به قیمت ۱۲ هزار تومان، در اختیار فرهنگیان و کارمندان دولت گذاشته میشود. همچنین در بخشهای کشاورزی و بهداشت محیط و امور

چهره سازنده، جشنهای شاهنشاهی ایران و برنامه‌های عمرانی - اجتماعی و اقتصادی که در سال گوروش کبیر (سال ۵۰) در مملکت اجرا میشود. بیش از ده سال ایران را بنوی پیشرفت و سازندگی می‌کنانند.

سوی اهمیت و عظمت برگزاری ۴۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران، همانطور که رقم زده شد، هزارها پروژه کوچک و بزرگ در بخش صنایع - کشاورزی - نوسازی و عمران - بهداشتی و درمانی - علمی و فرهنگی ... در سراسر مملکت بخصوص در روستاها اجرا میگردد که از حیث اهمیت، اجرای این برنامه‌ها را باید مکمل انقلاب ایران بشماریم.

یک پیشه‌ور در زمینه عظمت جشنهای شاهنشاهی اعتقاد دارد:

«اگر ۴۵۰۰ «طاق» در روستاها ساخته میشد. کاری بزرگ بود چه رسد باین که بیش از ۴۵۰۰ مدرسه در روستاها ساخته میشود، این شاهکار است.»

کمیته جشن شاهنشاهی

در ژاپن

ریاست عالی

والاحضرت پرنس میکاسا

اعضای کمیته

- جناب آقای ناکوچی کینتاوا
- جناب آقای هیساناری یامادا
- جناب آقای سونه میتسوگادوواکی
- جناب آقای واتانوهیرای دومی
- پروفیسور نامیو اکی
- پروفیسور آتسوئوچی آشی
- پروفیسور تسوتوکودوایاتی
- پروفیسور امیکوادا
- آقای ن. شیکامسو
- آقای ن. نلفلی
- آقای تاژوایچی زاکا
- آقای یوشی نوری ماندا
- پروفیسور شینچی فوکای
- آقای شینتارو فوکوشیما
- آقای یاسوشی اینویه
- آقای سوسوکه انزاد
- آقای هیدمی کن
- آقای شیکونائوتو
- آقای گورودانویه
- آقای ناسوزومیزوگامی
- آقای شوچیرو فوجینو
- آقای ماساکازو اوچیگو
- آقای هیروشیما
- آقای اچیرو ماسودا
- آقای هیسائو فوکودا



والاحضرت پرنس میکاسا



آقای یامادا



آقای کادوواکی